

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۰۸/۰۶

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۱/۱۲/۱۶

سید عبدالهادی دانشپور^۱، راضیه رضازاده^۲، فرزانه سجودی^۳، مریم محمدی^۴

بررسی کارکرد و معنای فرم شهر مدرن از منظر نشانه‌شناسی لایه‌ای^۵

چکیده

یکی از مهم‌ترین وجوه شناخت و تحلیل شهر، فرم شهر است. در تعریف این جنبه از بررسی شهر آمده است که هر فرم، حاصل و برآیند رابطه میان مجموعه‌ای از نیروها (فضایی و غیرفضایی) است که شناخت آن‌ها، نخستین گام در طراحی فرم است. از آنجا که یکی از اهداف فرم شهر مطلوب، برخورداری از معنا و هویت است، بررسی این وجه از شهر در قالب رویکرد معناشناختی مورد توجه این نوشتار است. معنا و کارکرد مناسب این وجه از شهر می‌تواند بر ارتقای تصور ذهنی استفاده‌کنندگان، افزایش حس مکان و هویت تأثیرگذار باشد. در این نوشتار بررسی عوامل مؤثر بر گسست معنایی فرم شهر مدرن مورد توجه قرار گرفته است و هدف آن است تا ضمن بهره‌مندی از رویکرد نشانه‌شناسی لایه‌ای و بهره‌گیری از مهم‌ترین مفاهیم آن شامل نشانه به‌مثابه متن، ساختار سلسله مراتبی، نشاننداری، بافت‌سازی و بافت‌زدایی، کارکرد فرم شهر مدرن^۱ و عوامل تأثیرگذار بر فرآیند بافت‌زدایی از آن بررسی شود. به نظر می‌رسد به دلیل دگرگونی عوامل غیرفضایی به‌عنوان لایه تأثیرگذار بر متن، از فرم شهر بافت‌زدایی شده و بعضاً دریافت معنی را دچار تعلیق شده و شخص را در تفسیر، دچار سردرگمی کرده است.

کلیدواژه‌ها: فرم شهر، شهر مدرن، نشانه‌شناسی لایه‌ای، متن، رمزگان، بافت‌سازی، بافت‌زدایی

^۱ استادیار گروه شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، استان تهران، شهر تهران

E-mail: daneshpour@iust.ac.ir

^۲ دانشیار گروه شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، استان تهران، شهر تهران

E-mail: rezazadeh@iust.ac.ir

^۳ دانشیار گروه تئاتر، دانشگاه هنر تهران، استان تهران، شهر تهران

E-mail: fsojoodi@yahoo.com

^۴ دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، استان تهران، شهر تهران (نویسنده مسئول)

E-mail: Ma_Mohammadi@arch.iust.ac.ir

^۵ این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دوره دکتری در دانشگاه علم و صنعت ایران با عنوان «تدوین اصول رمزگذاری در منظر شهری با تأکید بر پایداری فرهنگی، با بهره‌گیری از رویکرد نشانه‌شناسی» به راهنمایی دکتر راضیه رضازاده و دکتر مصطفی عباس‌زادگان و مشاوره دکتر فرزانه سجودی است.

مقدمه

یکی از رویکردهای بررسی و شناخت شهر و وجوه مختلف آن در میان رویکردهای مختلف، بهره‌گیری از رویکردهای معناشناسی است. راپاپورت در بررسی معنا در محیط مصنوع، سه روش زبان‌شناسی^۲ و نشانه‌شناسی^۳، رویکردهای رفتاری و نمادشناختی^۴ را مورد توجه قرار می‌دهد (راپاپورت، ۱۳۸۴). در میان رویکردهای مختلف بررسی معنا، بهره‌گیری از رویکرد نشانه‌شناسی، یکی از روش‌های معمول در بسیاری از عرصه‌ها است. در واقع نشانه‌شناسی به‌عنوان یکی از روش‌های تحلیل متن، به دنبال تحلیل متون در حکم کلیت‌های ساختمند و در جست‌وجوی معانی پنهان و ضمنی است. مطالعات نشانه‌شناختی بر نظام قواعدی که بر گفتمان‌های^۵ درگیر در متون حاکم هستند، تمرکز دارد و به نقش بافت نشانه‌شناختی در شکل‌دهی معنا^۶ تأکید می‌کند (چندلر، ۱۳۸۶). هدف این مقاله بررسی معنا و کارکرد فرم شهر به‌عنوان یکی از مهمترین جنبه‌های شناخت و تحلیل شهر در عصر مدرن است. با این توضیح این مقاله بر آن است تا از رویکرد نشانه‌شناسی به‌عنوان روشی نظریه‌بنیاد برای تحلیل عوامل و روندهای مؤثر بر کدگذاری نامناسب در شهر مدرن و گسست معنایی حاصل شده در این برهه بهره‌گیرد.

به‌منظور تحقق هدف پژوهش، در ابتدا فرم شهر^۷، اهمیت بررسی این وجه در شهر، ویژگی‌ها و ابعاد فرم شهر مطلوب ارائه می‌شود. این بخش از این حیث واجد اهمیت است، که ضمن بیان ویژگی‌های فرم شهر از یک‌سو، قابلیت دلالتی آن را مشخص نموده و از دیگر سو، قابلیت‌های بررسی آن به‌عنوان یک متن که اساس بررسی نشانه‌شناختی است را فراهم می‌کند. پس از تبیین مفهوم فرم شهر، انتخاب روش مناسب که رویه تحقیق را شکل می‌دهد، ضروری است. تعمق در مفهوم فرم شهر و بررسی ابعاد فرم مطلوب شهر نشان می‌دهد که به‌منظور افزایش خوانایی، ارتقای حس مکان و هویت فرهنگی در فرم شهر، شناسایی عوامل مؤثر بر گسست و پیوست معنا در فرم شهر ضروری است. با توجه به مفهوم فرم و ماهیت آن رویکرد نشانه‌شناسی لایه‌ای رویکرد مناسبی برای این تحلیل می‌باشد. بدین‌ترتیب به‌منظور بررسی عوامل مؤثر بر روند گسست معنا در فرم شهر مدرن، از این چارچوب تحلیلی استفاده خواهد شد. این روش چارچوبی برای بررسی و شناسایی عوامل مؤثر بر روند بافت‌زدایی یا بافت‌سازی در اختیار قرار می‌دهد و از این رهگذر عوامل مؤثر بر خلق هویت یا ایجاد هویت دوگانه را تبیین می‌نماید.

بیان مسئله

در اینجا لازم است پیش از بررسی مفاهیم کلیدی و مبانی نظری مرتبط با موضوع، شرح دقیقی از موضوع ارائه شود و با بیان مسئله اصلی، فرآیند مسئله‌گشایی و روش مناسب تعیین شود. آنچه سرآغاز بحث حاضر و اهمیت بررسی فرم شهر در برهه زمانی مدرن را مورد تأکید قرار می‌دهد، توجه به کارکرد مورد انتظار از این وجه شهری است. فرم شهر مناسب یا خوب تبلور فضایی و عملکردی عوامل سازنده فرم شهری است که متضمن درک معنی و خوانش مناسب از آن است و به این واسطه در خوانایی، تصویرپذیری و ارتقای حس مکان تأثیرگذار است.

در این میان، هر شهر به فراخور ویژگی‌های جغرافیایی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی فرم خاص خود را شکل می‌دهد. برای نمونه فرم شهر پیش از مدرن محصول فرآیندی است که در شهر در جریان بوده است، اما آنچه در روند مدرنیته برای شهر اتفاق افتاده است، خلق فرمی است که کارکرد مورد انتظار از شهر را تا پایین‌ترین سطوح خود تنزل داده است. بدین‌ترتیب نوعی گسست معنایی و فرهنگی در فرم شهر اتفاق افتاده و شهر دچار دوگانگی در هویت و معنا شده است. به بیانی دقیق‌تر منطق مدرنیته^۸ به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر شهر تأثیر گذارده و کالبد

و فرم شهر عصر سنت را تحت تأثیر قرار داده است. این منطبق به پشتوانه دگرگونی تاریخی در تفکر و عمل، با دیدی متفاوت به مقوله‌های ارزشی، انسان و طبیعت، رویکرد و تأثیرات متفاوتی در خصوص جنبه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی داشته است.

بنابراین این مقاله در پی آن است تا تأثیر این منطبق (منطق مدرن) را بر فرم شهر مورد بازنگری قرار داده و از خلال این بررسی، عوامل مؤثر بر کدگذاری نامناسب و خوانش نامطلوب از آن را تبیین نماید. به‌منظور بررسی این گسست معنایی، از روش نشانه‌شناسی استفاده می‌شود. این روش نظریه‌بنیاد در قالب یک شیوه تحلیلی و نخبه‌گرا، به محقق کمک می‌نماید تا با شناسایی نشانه‌ها و کدهای موجود در فرم شهر، ضمن بررسی ماهیت نشانه‌ها و تغییر نوع آن‌ها، اصول کدگذاری در فرم شهر را شناسایی و عوامل مؤثر بر خوانش مطلوب و رمزگشایی مناسب در آن را بررسی نماید. در میان رویکردهای مختلف نشانه‌شناسی، استفاده از روش نشانه‌شناسی لایه‌ای به دلیل ماهیت آن، به تحلیل گسترده متن در یک رابطه تعاملی و چندسویه بین نظام نشانه‌ای می‌پردازد. بنابراین بهره‌مندی از آن به‌عنوان یک چارچوب قوی تحلیل معنا در متون شهری به‌عنوان پدیده‌ای باز که مشتمل بر لایه‌های متنی مختلف است بسیار کاربردی بوده و به شناسایی زمینه‌های مؤثر بر روند بافت‌زدایی و بافت‌سازی از متون شهری منجر می‌شود.

بررسی مفاهیم کلیدی و ادبیات موضوع

الف. فرم و شکل

اگرچه گاهی واژه‌های فرم و شکل هم‌معنی تلقی می‌شوند، اما فاصله زیادی میان این دو مفهوم وجود دارد. از آنجا که مفهوم فرم و شکل واجد تفاوت‌هایی هستند، در اینجا برای تبیین مفهوم فرم و پس از آن فرم شهری، بر تفاوت‌ها و تمایز میان این دو واژه تأکید می‌شود؛ اما بی‌شک برای درک وجه افتراق آن‌ها باید از مفهوم فرم بهره گرفت.

پیشینه واژه فرم به رومیان باستان برمی‌گردد و معادل لاتین آن فورما^۱ است (گروتز، ۱۳۷۵) و در بسیاری از زبان‌های جدید اروپایی همچون ایتالیایی، اسپانیایی، لهستانی و روسی به همین صورت به‌کار می‌رود. در انگلستان، فرانسه و آلمان فرم^{۱۰} گفته و نوشته می‌شود (حبیب، ۱۳۸۵). با استناد به معنای این دو واژه (فرم و شکل) در فرهنگ لغت‌های معتبر، می‌توان دریافت که شکل^{۱۱}، ویژگی یا ساختی از یک چیز است که معرف صورت خارجی آن چیز است - ویژگی فیزیکی، ظاهری، بصری مانند موقعیت، مقیاس، ابعاد و اندازه و ... (فرهنگ لغت آکسفورد)، به این ترتیب شکل ابزاری است برای بیان بصری (Stiny, 2006). جمیل صلیبا در فرهنگ لغت فلسفی خود مفهوم شکل را معادل واژه انگلیسی فیگور^{۱۲} آورده است و شکل را هیئت و صورت هر چیزی می‌داند (صلیبا، ۱۳۶۶). در تعریف لغت‌نامه‌ای فرم آمده است که طریقی که در آن یک چیز زیست می‌کند، عمل می‌کند و خود را آشکار می‌نماید (Crook, 2007). در فرهنگ لغت فلسفی صلیبا نیز در تعریف فرم معادل واژه فارسی صورت قرار گرفته است و در اصطلاح فیلسوفان مقابل ماده قرار دارد و آن چیزی است که شیء مطلقاً از طریق آن متمایز نمی‌شود (صلیبا، ۱۳۶۶). بدین ترتیب شکل، ویژگی‌های ظاهری را در برمی‌گیرد، اما فرم این‌گونه نیست و مفهومی فراتر از شکل را در بر دارد.

به‌منظور تعمق در مفهوم فرم برای تبیین تفاوت آن از مفهوم شکل در اینجا به‌عنوان نتیجه‌گیری از این مبحث اجماً ذکر دو نکته ضروری به‌نظر می‌رسد. اول آنکه بدون شک تاریخ هنر، تاریخ جنبش‌ها و نحله‌های فکری نیست، بلکه تاریخ فرم‌های گوناگون است؛ جهانی که انسان برای شناخت آن با فرم‌های متفاوت آن را از آن خود کرده و یا تعریف نموده است. همین‌طور تاریخ شهر در

واقع تاریخ فرم شهر است که ناشی از نگرش به مقولاتی مانند ارزش‌ها، خدا و انسان است. در عین حال باید توجه داشت که فرم جریان‌ات هنری تاریخ‌مند و یا به بیان رساتر زمان‌مند است و این زمانمندی و تاریخ‌مندی بخش بزرگی از نیروهایی است که به فرم شکل می‌دهند را در خود نهفته دارند. بدین ترتیب اهمیت وجود نیروهایی که به فرم شکل می‌دهند، خود را برجسته می‌نماید. دوم آنکه تعریف کریستوفر الکساندر درباره فرم و حضور نیروها باید مورد توجه قرار گیرد. وی هدف اصلی طراحی را آفرینش فرم می‌داند و در تعریف آن بیان می‌کند که هر فرم، حاصل و برآیند رابطه میان مجموعه‌ای از نیروهاست که شناخت آن‌ها، نخستین مرحله برای طراحی فرم است (پاکزاد، ۱۳۸۸). وی همچنین در کتاب یادداشت‌هایی بر ترکیب فرم از نیروهایی سخن می‌گوید که در خلق فرم تأثیرگذار هستند و مثال الگوی براده‌های آهن را هنگامی که در میدان مغناطیسی قرار می‌گیرند، بیان می‌کند. به عبارتی طبق گفته د-آرسی تامسون، فرم را دیاگرام نیروها بر روی بی‌نظمی‌ها می‌نامد. بیشتر اوقات از این بی‌نظمی‌ها به‌عنوان منابع عملکردی فرم نام برده می‌شود (الکساندر، ۱۳۸۴). بدین ترتیب در یک جمع‌بندی می‌توان گفت: مفهوم دقیق فرم، فراتر از روابط بینا نشان‌های و همجواری عناصر بصری است، اما شکل، پوسته ظاهری فرم است؛ راه و روشی که غالباً از راه دیدن و تجربه کردن حاصل می‌شود، نه از راه پشتوانه فکری.

ب. فرم شهر، کارکرد و عوامل مؤثر در آن

در فرهنگ لغات تخصصی شهرسازی آمده است، فرم شهر عبارت است از کالبد و فرم ساخته شده شهر (Cowan, 2005). در اهمیت این مفهوم همین بس که بسیاری از نظریه‌پردازان طراحی شهر را با طراحی فرم شهر یکسان دانسته‌اند (Cuthbert, 2005). درباره فرم شهر ادبیات وسیعی وجود دارد از کتاب ویتروویوس گرفته تا کتاب کامیلوسیتته، تا آثار موریس (تاریخ فرم شهر)، لینچ (تئوری فرم خوب شهر)، کالن، کرییر (فضای شهری) و الکساندر (یادداشت‌های بر ترکیب فرم). بررسی نظریات مختلف در زمینه فرم شهر نشان می‌دهد، رویکردهای مختلفی برای بررسی آن می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. برای نمونه برخی از اندیشمندان رویکرد تاریخی را مورد توجه قرار می‌دهند (جیمز موریس)، برخی بر جنبه‌های اجتماعی-فرهنگی تأکید دارند (مامفورد) و بعضی دیگر به رویکرد زیبایی‌شناسانه توجه کرده و عده‌ای در زمینه فرم شهر، تنها بررسی بافت کالبدی و عملکردهای شهری که معرف فضایی پدیده‌ها هستند را مورد توجه قرار می‌دهند. حال باید به دنبال پاسخی برای این سؤال مهم بود که آیا بررسی ابعاد کالبدی و یا فضایی برای این مفهوم به تنهایی کافی است؟ برای پاسخ به این پرسش، در ابتدا باید در مفهوم فرم شهری و عوامل سازنده فرم شهر تعمق نمود. کاتبرت در بررسی این موضوع به نقد نظریه‌های ارائه شده در زمینه طراحی فرم شهری که توسط نظریه‌پردازان مختلف ارائه شده، می‌پردازد. وی نبود یک نظریه مشخص برای طراحی شهری و وابستگی آن به برنامه‌ریزی و معماری را برهانی بر این امر می‌داند. توجه به نظریه‌های معماری در طراحی فرم سبب شده است تا تأکید ویژه‌ای بر ابعاد کالبدی، فارغ از ابعاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی صورت گیرد (Cuthbert, 2006). به عبارتی تأکید بر جنبه‌های فضایی، در مقابل جنبه‌های غیرفضایی^{۱۲} از نتایج پذیرش چنین رویکردی است. وایت‌هند نیز در موضوع مورفولوژی یا بررسی فرم شهر بیان می‌کند که متغیرهای بسیاری وجود دارند که در ایجاد آرایش فضایی-زمانی و اندازه کالبد شهر مؤثر هستند. از دید وی، این مفهوم تنها متوجه کالبد شهر نیست، بلکه رابطه آن را با ادراک و فعالیت‌های جامعه نیز دربرمی‌گیرد (Whitehand, 1992) به نقل از حبیب، ۱۳۷۵؛ مدنی‌پور، ۱۳۷۹).

با شرح مسایل بیان شده در اینجا، لازم است تعریفی از فرم شهری ارائه شود. در تعریف فرم، این مفهوم برآیند نیروهای مختلفی دانسته شد که تنها دربردارنده جنبه ظاهری و شکلی نیست. بنابراین فرم شهر نیز نتیجه برآیند نیروهایی است که نه تنها جنبه کالبدی و فضایی دارند، بلکه غیرفضایی نیز هستند. در اینجا به منظور ارائه تعریف دقیق‌تر از فرم شهری و تمایز آن از مفهوم منظر شهر^۴، از مفهوم مرفولوژی استفاده می‌شود. واژه مرفولوژی به معنای علم فرم است که کار آن بررسی شکل، فرم، ساختار خارجی یا شیوه مرتب شدن است. مرفولوژی شهری بررسی نظام‌مند فرم، شکل، نقشه، ساختار و کارکردهای بافت مصنوع شهرها و منشأ و شیوه تکامل این بافت در طول زمان است (مدنی‌پور، ۱۳۷۹). مرفولوژی شهری بر مطالعه شهر به عنوان یک محیط کالبدی متمرکز است، اما به طور ضمنی پیوندی میان عناصر فضایی و مادی شهر و نیروهای اجتماعی و اقتصادی شکل دهنده آن‌ها نیز برقرار می‌کند (Lee & Moudon, 2006). به بیان دیگر، کالبد شهر، اثر و ردپای تمایلات و فعالیت‌های انسانی است. بنابراین همان‌طور که فرم مصنوع را می‌توان مربوط به یک دوره تاریخی خاص شمرد، می‌توان آن را حاصل فعالیت‌هایی دانست که در آن انجام می‌گیرد و برای جای دادن به آن‌ها طراحی شده است. بافت یک شهر نه فقط سند تاریخ ساخت آن، بلکه سند زندگی انسان‌هایی است که آن را ساخته‌اند و در آن زیسته‌اند. در طول حیات انسان‌ها و جوامع، فعالیت‌ها و نیازها ثابت باقی نمانده و تمایل به تغییر دارند و این تغییر، زمینه رشد و دگرگونی کالبد شهر را فراهم می‌کند (Kropf, 1996).

بدین ترتیب فرم شهر حاصل تعامل کلیه نیروهای شکل دهنده کالبد شهر و شامل کلیه عناصری محیطی است که انسان به طور بالقوه می‌تواند در ارتباط با آن‌ها قرار گیرد. بدین ترتیب فرم شهر با عملکردهای شهر در ارتباطی دوسویه و تنگاتنگ قرار دارد و خصلت ایستا بودن همراه با خصلت پویایی را توأمان داراست. به عبارتی فرم شهر علاوه بر عناصر کالبدی، شامل فعالیت‌ها، جریان‌ها و سیستم‌های حرکتی شهر و حوزه اتفاقات بالقوه شهر با تمام مظاهر مادی و غیرمادی آن است. پس فرم شهر حاصل تعامل میان نیروهای عوامل سازنده آن است؛ این عوامل عبارتند از عوامل مصنوع، عوامل طبیعی (اقلیم، پوشش گیاهی، آب، مکان، دید و منظر، جنس، نوع، شکل زمین) و عوامل انسانی (اجتماعی، تاریخی، قومی، مذهبی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، جنبه‌های روانی و عملکردی) (حبیب، ۱۳۸۵).

همان‌طور که در شرح مسئله و اهداف نوشتار ذکر شد، بررسی معنا و کارکرد فرم شهر مدرن موضوع این مقاله است. یکی از دلایل این بررسی اهمیت مقوله معنا در ایجاد فرم خوب از شهر است. برای مشخص شدن این امر، در اینجا معیارهای مورد توجه لینچ (۱۹۸۳) در نظریه فرم شهر بیان می‌شود. به‌طور کلی لینچ عوامل سازگاری، معنا، دسترسی، کنترل و کارآمدی، عدالت، سرزندگی اجتماعی و بیولوژیکی را به‌عنوان معیارهای مؤثر در ایجاد یک فرم شهر خوب معرفی می‌کند (Lynch, 1981).

روش و شیوه تحقیق

بررسی‌ها در زمینه مفهوم فرم شهری نکات حایز ارزشی را فراهم نمود که با استناد به آن‌ها، می‌توان شیوه تحلیلی مناسبی را برگزید. از آنجا که با توجه به تعریف، فرم شهر از برآیند نیروهایی تشکیل شده است که نتیجه عملکرد پیچیده شبکه رمزگان‌های فرهنگی است، لذا دارای ویژگی‌های متنی است. به عبارتی فرم شهر یک متن است. برای روشن‌تر شدن این موضوع، که شهر و یا جوه آن مانند منظر، فرم و فضا متن هستند، برخی از نظریه‌ها بررسی می‌شوند. برخی با استناد به این

مسئله که شهر یا برش‌هایی از شهر فاقد مؤلف - یا به اصطلاح گفته‌پرداز - است و در حکم یک کلیت با قصد ارائه به مخاطب - یا به اصطلاح گفته‌خوان - و برای انتقال پیام یا برقراری ارتباط تألیف نشده است، معتقد هستند شهر نمی‌تواند یک متن تلقی شود. به عبارتی مدافعان این دیدگاه معتقدند که متن الزاماً محصول فعالیت تألیفی فرد با نیت تولید متن و انتقال معنا است (سجودی، ۱۳۸۸، ب، ۳۳۲). این در حالی است که با تعریفی که از متن در ادامه آورده می‌شود، مشخص می‌شود که متن قبل از آنکه محصول آفرینش فردی مؤلف باشد، نتیجه عملکرد پیچیده شبکه رمزگان‌های فرهنگی است که هم وجه در زمانی دارند و هم وجه هم‌زمانی. همچنین یک متن نتیجه روابط بینامتنی است و یک هسته بسته واحد ندارد (سجودی، ۱۳۸۸، ب، ۳۳۳)، بدین ترتیب با پذیرش دیدگاه دوم، شهر و جوه شهر، قابلیت تحلیل به‌عنوان یک متن را دارا هستند.

در کنار این جنبه از بررسی شهر و جوه آن به‌عنوان یک متن، می‌توان به بررسی مفهوم بنا، فضا و یا یک ساختار فضایی در قالب رویکرد زبانی پرداخت و از این دریچه بر متن‌بودگی آن صحه گذاشت. الکساندر بیان می‌کند که در هر بنا، زبانی الگویی وجود دارد این زبان الگو، درون نظام یا سیستمی کامل عمل می‌کند و در نهایت به کلیت و انسجام ساختاری متن (بنا) می‌انجامد (الکساندر، ۱۳۸۶، ۷۴). بدین ترتیب فضا، یا یک ساختار فضایی یک متن است. شهر نیز چنین فضایی است. هر شهر ساختاری است که نشانه‌های آن با ساکنانش و بازدید کنندگانش سخن می‌گوید و بر معانی ویژه‌ای دلالت می‌کند. بنابراین در فهم نشانه شناختی، از یک زبان و بنابراین یک نظم برای هر ساختار استفاده می‌شود که به‌واسطه این زبان، بین کسانی که رمزگان یا کدهای آن زبان را پذیرفته‌اند، ارتباطی به شکل معنا حاصل می‌شود. بناهای معماری در مقیاس کوچک‌تر و شهر در مقیاس بزرگ‌تر همین نظم، نظام و ساختار را به نمایش می‌گذارند (نجومیان، ۱۳۸۷، ۱۱۲).

بنابراین به‌منظور بررسی معنا و کارکرد فرم شهر، امکان بررسی آن در قالب رویکردهای تحلیل متن مانند زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی وجود دارد. این نوشتار از رویکرد نشانه‌شناسی در بررسی معنا استفاده می‌کند. برخی از زمینه‌های استفاده از این رویکرد تحلیلی بدین شرح است: سنجش و بررسی عوامل مؤثر بر گسست و پیوست معنا، شناسایی نشانه‌های فرهنگی و غیرفرهنگی، تبیین اصول کدگذاری و شناسایی کدها، ایجاد محیط قابل رمزگشایی و خلق محیط منطبق با هویت فرهنگی. در ادامه باید رویکرد نشانه‌شناسی مقبول در بررسی فرم شهر را تبیین نمود. چهار رویکرد در این زمینه قابل شناسایی است: رویکرد پوزیتیویستی، ساختارگرایی^{۱۵}، پساساختارگرایی^{۱۶} و پیدایشی (سجودی، ۱۳۸۸، الف، ۷۴). استفاده از روش‌های پوزیتیویستی در نشانه‌شناسی با توجه به ماهیت مسایل شهری و به دلیل پیچیدگی‌های آن نامناسب است. این روش بیشتر در بررسی مسایل طبیعی و نه اجتماعی کاربرد دارد (سجودی، ۱۳۸۸، الف). از آنجا که مفهوم فرم شهر در زمینه و یا بافت معنا و مفهوم می‌یابد، نمی‌توان آن را در قالب یک الگوی تک‌نشانه‌ای بررسی کرد. رویکرد نشانه‌شناسی ساختار نیز رابطه بین نشانه‌های متن را بررسی می‌کند و منطق‌های ساختاری آن را به‌دست می‌آورد (سجودی، ۱۳۸۸، الف، ۸۴)؛ به‌عبارتی، تحلیل نشانه‌شناختی ساخت‌گرایانه با بازشناسی واحدهای تشکیل دهنده یک نظام نشانه‌ای و تعیین روابط بین این واحدها سروکار دارد. از آنجایی که این رویکرد مطالعه ساختار و قواعد شکل دهنده یک متن را تحلیل می‌کند، به‌تنهایی نمی‌تواند برای این بررسی مورد استفاده قرار گیرد. مهمترین نقد به این رویکرد توجه نکردن به زمینه‌ای است که معماری و شهرسازی در آن قرار دارد. نظریه پساساخت‌گرا و پیشینه آن در ساخت‌گرایی بر نوعی رویکرد زبان‌بنیاد و متن‌بنیاد استوار است که بازی معانی و ناستواری و عدم قطعیت آن را بیرون از اراده اذهان و نیت سوژه‌ها (اعم از مؤلف یا مخاطب) و در اختیار نظام زبان

می‌داند. به نظر می‌رسد پساساخت‌گرایی در برخورد با متن و دلالت نشانه‌ها در متن از سوی دیگر بام ساخت‌گرایی فرو می‌افتد، اما باید توجه داشت که در عمل پیوسته قاب‌هایی بر حدود دلالت در کنش ارتباطی نظارت می‌کنند (سجودی، ۱۳۸۸ الف، ۹۷-۹۸).

بنابراین رویکرد چهارمی نیاز است. از دید این رویکرد - نشانه‌شناسی پیدایشی - در عمل ارتباط، پیوسته قاب‌هایی بر حدود دلالت در کنش ارتباطی نظارت می‌کنند. لایه‌های متن یکدیگر را به لنگر می‌کشند؛ این قاب‌ها را شاید بتوان قاب‌های گفتمانی نامید. بدون تردید روابط بین لایه‌های متن، منجمد و تقلیل‌پذیر به ساختارهای همه‌زمانی و همه‌مکانی، آن طور که مورد نظر ساخت‌گرایان بود، نیست، اما شناور و مطلق نیز نمی‌تواند باشد. متن و خوانش متن، محصول همین دیالکتیک بین گرایش به ایستایی ناشی از قرار گرفتن در قاب‌های تنظیم‌کننده گفتمانی و میل به گریز و بازیگوشی نشانه‌ها است. این نظام قاب‌ها و شبکه لایه‌ها پیوسته دگرگون شونده و به عبارتی پیدایشی هستند، اما در هر مقطع هم شکل گرفته و دلالت را به سوی تثبیت شدن پیش می‌برند و ارتباط را ممکن می‌کنند، هم ناپایدار هستند و در آستانه فروپاشی و شکل‌گیری نظام تازه‌ای از قاب‌ها و روابط لایه‌ای قرار دارند (سجودی، ۱۳۸۸ الف، ۹۹؛ سجودی، ۱۳۸۷).

بنابراین رویکرد مقبول در بررسی فرم شهر می‌تواند بهره‌مندی از روش چهارم باشد، چرا که این متن به مثابه یک مقوله فرهنگی و به واسطه پیچیدگی‌هایش نمی‌تواند در قالب رویکردهای اول و دوم بررسی شود. همچنین رویکرد سوم نیز بدون توجه به لنگرها و قاب‌های گفتمانی که دایره شناوری لایه‌های معنا را به ثبات می‌کشند، کاربردی نخواهد بود. نشانه‌شناسی لایه‌ای به عنوان یکی از مصادیق رویکرد چهارم در این مقاله، به عنوان چارچوبی تحلیلی مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین در بررسی معنا و کارکرد فرم شهر مدرن با این رویکرد، در مواردی تکیه بر بررسی تطبیقی فرم شهر مدرن در مقابل فرم شهر سنتی نیز مورد توجه است تا عوامل تأثیرگذار بر شهر مدرن در قالب بررسی لایه‌های بافتی تأثیرگذار بر فرم شهری مکشوف شود.

نشانه‌شناسی و رویکرد نشانه‌شناسی لایه‌ای

نشانه‌شناسی با هر چیزی که بتواند یک نشانه^{۱۷} قلمداد شود، سروکار دارد. او بیان می‌کند آنچه بر اساس قراردادهای اجتماعی بتواند به جای مورد دیگری ارائه شود، نشانه است (اکو، ۱۳۸۷، ۹). یکی از نکات بسیار مهم در تحلیل‌های نشانه‌شناختی، توجه به این موضوع است که نشانه منفرد وجود ندارد، بلکه ارزش آن ناشی از رابطه آن با نشانه‌های دیگر است؛ در اینجا است که مفهوم بافتی که نشانه در آن قرار دارد، اهمیت می‌یابد. بدین ترتیب بیان هیچ معنا و مفهومی بدون توسل به نظام نشانه‌ای و بروز متنی و مادی بیرونی آن‌ها ممکن نیست (سجودی، ۱۳۸۸ ج؛ کالر، ۱۳۷۹، ۱۹). بدین ترتیب می‌توان نشانه‌شناسی را به مثابه حوزه‌ای مطالعاتی دانست که در جستجوی طرحی برای تبیین کارکرد کد^{۱۸}، نشانه و تجلی مادی آن یعنی متن است (سجودی، ۱۳۸۷، ۱۳).

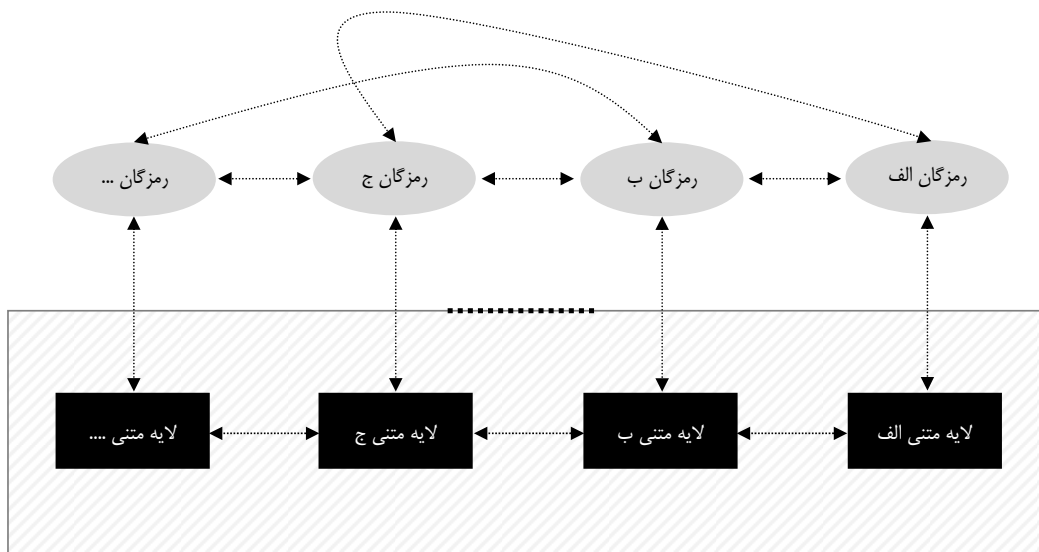
در تعریف رویکرد نشانه‌شناسی لایه‌ای، آن را به عنوان رویکردی نظری در تحلیل متن معرفی می‌کنند که در حوزه مطالعاتی نشانه‌شناسی کاربردی بسیار کارآمد است و به بررسی و تحلیل متن به مفهوم گسترده آن و در دل شبکه‌ای از لایه‌های دخیل می‌پردازد. نشانه‌شناسی لایه‌ای زمینه تحلیل گسترده متون را در بستر رابطه تعاملی و چندسویه بین نظام‌های نشانه‌ای و لایه‌های متنی که شبکه‌ای پیچیده از روابط دلالتی را به وجود می‌آورد، فراهم می‌سازد. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این رویکرد، امکان استفاده از آن در متون چندرسانه‌ای است (سجودی، ۱۳۸۷، ۲۷۹ و ۱۳)، از آنجا که همه ارتباطات اجتماعی و انسانی از نوع چندرسانه‌ای هستند، شهر و جوه آن نیز متونی با چنین ویژگی‌هایی هستند.

الف. نشانه به مثابه متن

همان‌طور که پیش از این بیان شد در رویکرد نشانه‌شناسی لایه‌ای، برخی از مفاهیم مانند مفهوم نشانه مورد بازبینی قرار گرفته است و با انتقاداتی به مفهوم نشانه در رویکردهای ساخت‌گرا، نشانه به مفهومی تحلیلی تبدیل شده است. به عبارتی در این دیدگاه در هر حال ابتدا تحلیل‌گر با متن روبرو می‌شود نه با نشانه و سپس برای تحلیل متن، ممکن است به ابزاری به نام نشانه و چگونگی همنشینی آن با نشانه‌های دیگر در نظام‌های نشانه‌ای متوسل شود. برخی از مهم‌ترین انتقاداتی که به مفهوم نشانه در رویکرد نشانه‌شناسی لایه‌ای وارد می‌شود، عبارتند از (سجودی، ۱۳۸۷):

- ضرورت نیاز به طرحی که کارکرد ارتباطی و دلالتی نشانه‌ها را از منظر نظام‌های متکثر چندبعدی دخیل در دلالت ببیند؛
- نادیده انگاشته شدن عوامل متفاوت اجتماعی و عوامل بافتی در هر ارتباط اعم از نوشتاری، گفتاری و تصویری، یا به عبارتی نادیده انگاشتن عامل انسانی و در نتیجه نادیده گرفتن بسیاری از لایه‌های فرهنگی و اجتماعی دخیل در کار دلالت در دستگاه‌های نشانه‌ای (اکو، ۱۳۸۷، ۲۰)؛
- توجه به این مسئله که نشانه منفرد وجود ندارد. برای مثال اکو در این زمینه از مفهوم نقش نشانه‌ای، ناپایداری نشانه و زایایی نشانه کمک می‌گیرد (Eco, 1979, 49) به نقل از سجودی، ۱۳۸۷؛ اکو، ۱۳۸۷، ۹).

بنابراین از دید این رویکرد، مفهوم نشانه به دنبال مفهوم متن می‌آید و متن حاصل همنشینی بین رمزگان‌ها نیست (اکو در تعریف متن، آن را حاصل همنشینی رمزگان‌های بسیار می‌داند (Eco, 1979, 57) به نقل از سجودی، ۱۳۸۷)، بلکه حاصل همنشینی بین لایه‌هایی است که هر یک بر اساس انتخاب از آن رمزگان‌ها در کنش ارتباطی تحقق عینی یافته‌اند. بنابراین متن نخست جنبه پدیداری دارد، یعنی در هر کنش ارتباط عینی با توجه به لایه‌های تشکیل دهنده آن که برخی متغیر هستند، شکل می‌گیرد و به همین دلیل پدیده‌ای باز است، نه بسته و قطعی (سجودی، ۱۳۸۷، ۲۰۴). به عبارتی متن مفهومی تکریری است، هر لایه متنی خود متنی است که در کنش متقابل با لایه‌های متنی دیگر دامنه متن‌بودگی خود را گسترش می‌دهد (سجودی، ۱۳۸۷، ۲۵۰) (شکل ۱).

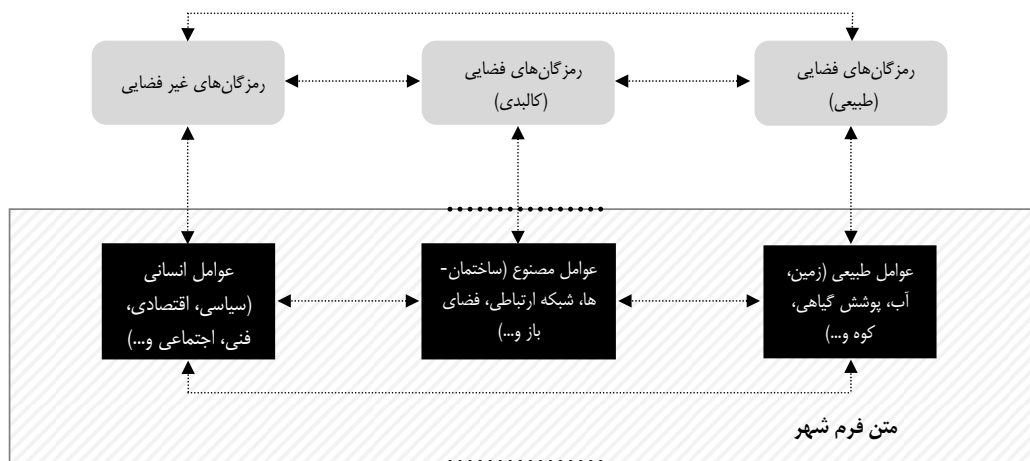


شکل ۱. تصویری کلی از یک متن

منبع: سجودی، ۱۳۸۷، ۲۰۲

ب. فرم شهر به‌مثابه یک متن

حال با توجه به اینکه هدف این تحقیق بررسی فرم شهر به‌مثابه یک متن و به‌عنوان بررسی از شهر با چارچوب نشانه‌شناسی لایه‌ای است، باید با توجه به تعریف فرم که پیش از این بیان شد، لایه‌های متنی آن شناسایی شود. با توجه به شکل ۱، متن (در اینجا فرم شهر)، نمود عینی شبکه رمزگان‌ها در یک کنش ارتباطی است. بنا به تعریف فرم شهر و عوامل سازنده آن، لایه‌های متنی فرم شهر، نمود عینی رمزگان‌های فضایی و غیرفضایی هستند. لایه‌های متنی که نمود عینی رمزگان‌های فضایی می‌باشند، شامل لایه متنی عوامل طبیعی و عوامل مصنوع و لایه متنی مرتبط با رمزگان‌های غیرفضایی فرم شهر است که عوامل انسانی را دربرمی‌گیرد (شکل ۲).



شکل ۲. متن فرم شهر

منبع: نگارندگان

همان‌طور که بیان شد هدف آن است که تأثیر لایه‌های متنی فرم در شهر مدرن بر یکدیگر بررسی شوند و از خلال این بررسی عوامل و روندهای مؤثر بر گسست معنایی و هویتی فرم و بافت‌زدایی از آن تبیین شود. بررسی پایه‌های نظری و فلسفی که اساس فکری شهر مدرن را بنیان نهادند، و به این طریق منجر به تغییر در نگرش نسبت به خدا، انسان و طبیعت شده‌اند، چند عامل هستند: عامل صنعتی و فنی، عامل اقتصاد (اندیشه‌های جان مینارد کینز)، عامل مذهبی-اعتقادی (دکترین پروتستانیزم) و بالاخره نیاز به بازسازی پس از دو جنگ جهانی (بحرینی، ۱۳۸۷؛ بحرینی، بلوکی و تقابن، ۱۳۸۸)، این بنیان‌ها شکل دهنده لایه متنی عوامل انسانی هستند که مشتمل بر رمزگان‌های اقتصادی، سیاسی و فنی هستند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، لایه متنی عوامل انسانی، تحت تأثیر اندیشه‌ها و نگرش‌های شکل دهنده این منطق، دچار تغییر و تحولی اساسی در مقابل نگرش سنتی می‌شوند و رابطه میان خداوند، انسان و طبیعت که پیش از این در شهر سنت، رابطه‌ای همسو بود دچار دگرگونی می‌شود.

تغییر در شبکه رمزگان‌های غیرفضایی فرم شهر مدرن، ویژگی‌های نگرشی در برنامه‌ریزی فرم شهر مدرن را این گونه رقم می‌زنند: تأکید بر شهر ایده‌آل، رفت‌وآمد، استانداردگرایی، انبوه‌سازی، منطقه‌بندی و طراحی بزرگ مقیاس (بحرینی، ۱۳۸۷؛ مانیاگو لامیونانی، ۱۳۸۸)، که هر یک نمودی از بنیان‌های تفکر و عمل در شهر مدرن هستند (شکل‌های ۳، ۴ و ۵). در اینجا ذکر یک نکته مهم در خصوص لایه‌های متنی و تأثیرگذاری آن‌ها بر یکدیگر ضروری است و آن اینکه بسته

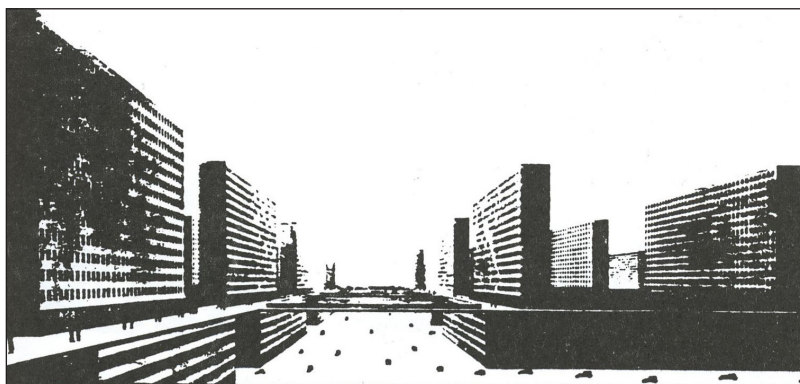
به متن، برخی لایه‌ها یا حتی گاهی یک لایه نسبت به لایه‌ها دیگر اصلی‌تر تلقی می‌شود. چندلر در این خصوص، نقل قولی از بارت می‌آورد که در آن، بارت از مفهوم لنگر^{۱۶} برای لایه‌های اصلی‌تر بهره می‌گیرد؛ به عبارتی از نظر وی، برخی از عناصر متن می‌توانند حکم لنگری تثبیت کننده را بازی کنند و جلوی شناوری نشانه‌های متنی را بگیرند (سجودی، ۱۳۸۷، ۲۰۵؛ چندلر، ۱۳۸۶، ۲۸۷). بدین ترتیب، در میان لایه‌های متنی فرم شهر مدرن، عوامل انسانی، به‌عنوان لایه اصلی تلقی می‌شوند. بنابراین لایه عوامل انسانی، تأثیر خود را بر لایه‌های عوامل مصنوع و عوامل طبیعی در متن فرم شهر مدرن می‌گذارد و در عین حال رابطه میان دو لایه دیگر را نیز دست‌خوش تغییر می‌کند. به این مفهوم که این لایه (به عنوان لایه اصلی یا بنا به گفته بارت، لنگر) است که نوع و شکل عوامل مصنوع را تعیین می‌کند. به بیانی روشن‌تر ارزش‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تأثیر خود را بر لایه عوامل مصنوع شامل: ساختمان‌ها (الگوهای یک شکل، انبوه‌سازی و...)، شبکه ارتباطی (اتوبان‌ها)، دسترسی‌ها و فضاهای باز (ایجاد فضاهای منفی) می‌گذارد. این موضوع از این حیث قابل تأمل است که در تعریف متن در نشانه‌شناسی لایه‌ای، لایه‌های متنی بر هم تأثیر متقابل دارند و هر یک انتظاراتی را از لایه دیگر به وجود می‌آورند که در صورت برآورده شدن انتظارات، دریافت و ارتباط ممکن می‌شود و در صورت برآورده نشدن آن انتظارات، ساخت‌هایی شکل می‌گیرد که دریافت را با تعلیق همراه و تفسیرپذیری را متکثر می‌کند. بدین ترتیب کارکرد و معنای فرم شهر مدرن، نه کارکردهای مورد انتظار از فرم شهری (مشمول بر ابعاد عملکردی، احساسی و اجتماعی)، بلکه ایجاد یک گسست قابل ملاحظه در هویت و معنا است.



شکل ۴. انبوه‌سازی (تقابل توده و فضا)



شکل ۳. استانداردسازی در عصر مدرن، تأثیر لایه عوامل انسانی بر سایر لایه‌های متنی فرم شهر



شکل ۵. شمای کلی از فرم شهر مدرن (غلبه عوامل کالبدی)

پ. ساختار و نشاننداری سلسله‌مراتبی

در تعریف متن بیان شد که متن شبکه‌ای باز است که از لایه‌های مختلف که خود نمود رمزگان‌های متفاوت هستند، شکل گرفته است. نکته حایز اهمیت آن است که لایه‌های متنی در متن، خود دارای سازمان دورنی و بیرونی هستند و بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. به عبارتی متن، یک مفهوم تکریری است که هر لایه متنی نیز خود یک متن است که در کنش متقابل با سایر لایه‌های متنی، دامنه متن‌بودگی خود را گسترش می‌دهد و این روند باز و بی‌پایان است (سجودی، ۱۳۸۷، ۲۱۰).

بدین ترتیب نشانه هم به مانند متن، مفهومی تکریری است و دارای ساختی سلسله‌مراتبی است. حال به منظور تبیین ساختار سلسله‌مراتبی در متن فرم شهری (که در تفسیر و خوانش معنا و کارکرد آن مؤثر است)، می‌توان اینگونه بیان کرد که فرم شهر به‌عنوان متن، خود دارای سلسله‌مراتبی درونی است که همان لایه‌های متنی شکل دهنده آن است: عوامل طبیعی، عوامل مصنوع و عوامل انسانی. برای نمونه در بررسی لایه متنی عوامل انسانی، یکی از ساختارهای سلسله‌مراتبی قابل بررسی، ساختار سلسله‌مراتبی کارکردی و ارزشی آن است. همان‌طور که راپاپورت بیان می‌کند، این ساختار سلسله‌مراتبی مشتمل بر ارزش‌های سطوح تراز بالا (در ارتباط با ایدئولوژی، الگوی فرهنگ، جهان بینی و...)، سطوح تراز متوسط (با تکیه بر جنبه‌های پنهان فعالیت‌ها، رفتارها و زمینه‌ها) و سطوح تراز پایین (مفاهیم ابزاری) است (Rapoport, 1994).

همچنین در بررسی روابط سلسله‌مراتبی میان لایه‌های متنی، می‌توان به رابطه نشاننداری اشاره کرد، که به‌صورت سلسله‌مراتبی از بی‌نشان‌ترین سطوح تا سطوح میانی نشاننداری ادامه می‌یابد. در بررسی متن فرم شهر مدرن، نیز می‌توان این رابطه را در نشاننداری^{۲۰} فرهنگی و اجتماعی شهر فرم شهر بررسی کرد که این مفهوم در شهر مدرن در مقابل نشاننداری فرهنگی و اجتماعی شهر سنتی، در بی‌نشان‌ترین حالت قرار می‌گیرد. تغییر و دگرگونی در این لایه و توجه به رویکرد انسان بیولوژیک در جنبه‌های اجتماعی و پذیرش رویکرد همگونی فرهنگی به‌جای تنوع فرهنگی، موجب ایجاد محیط مصنوع در پایین‌ترین سطوح نشاننداری فرهنگی و اجتماعی شده است.

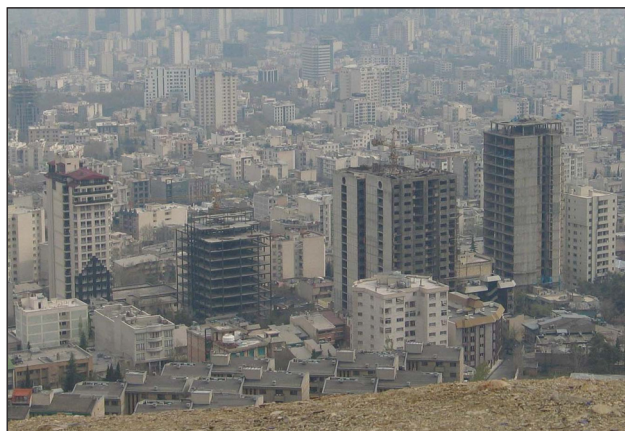


شکل ۶. بافت‌زدایی در فرم شهر (آنکارا)

ت. بافت، بافت‌سازی و بافت‌زدایی

از دیگر مفاهیمی که در نشانه‌شناسی لایه‌ای مورد بازنگری قرار گرفته است، مفهوم بافت^{۲۱} است. در تعریف بافت آمده است که بافت یک رابطه است که بین لایه‌های متنی ممکن است برقرار باشد، یا به نظر برسد که برقرار نیست. بنابراین بافت واقعیتی فیزیکی نیست، بلکه رابطه‌ای است که بین

لایه‌های متنی برقرار است (سجودی، ۱۳۸۷، ۲۱۴). به عبارتی در رویکرد نشانه‌شناسی لایه‌ای، مفهوم متمایزی به نام بافت در مقابل متن وجود ندارد، زیرا هر چیزی که به عنوان نشانه خوانده می‌شود، باید امکان تبدیل شدن به لایه‌ای از متن و خوانده شدن بر اساس دستگاه رمزگانی را پیدا کند (سجودی، ۱۳۸۷، ۲۵۱). بدین ترتیب متن در بافت تحقق می‌یابد و بافت پیوسته متن را می‌آفریند و این همان ساختار باز لایه‌ای است (سجودی، ۱۳۸۷، ۲۰۸). با توجه به تعریف بافت در رویکرد نشانه‌شناسی لایه‌ای، اگر نشانه‌ها یا لایه‌های متنی در جهت انتظاری که توسط دانش پیشین و طرح‌واره‌های ذهنی ما تأیید می‌شود، بر روی محور همنشینی انتخاب شوند، با فرآیند بافت‌سازی مواجه هستیم و اگر انتظارات پیشین ما را بر هم زنند، در آن صورت ظاهراً در رابطه‌ای بافت‌زدا نسبت به یکدیگر قرار می‌گیرند.



شکل ۷. بافت‌زدایی در فرم شهر (تهران)

با این تعریف از فرآیندهای بافت‌زدایی و بافت‌سازی، در اینجا این مفاهیم در فرم شهر مدرن بررسی می‌شود. به منظور این بررسی برخی از تقابل‌های قابل شناسایی در متن فرم شهر مدرن که ناشی از بر هم خوردن ارتباط پیشین لایه‌های متنی است، مورد توجه قرار می‌گیرد. در بررسی تقابل‌های دوگانه موجود در این متن، تقابل میان انسان (فرهنگ) و طبیعت و تقابل بین طبیعت و کالبد قابل ملاحظه است (نقی‌زاده، ۱۳۷۹). اگر این رابطه پیش از این در شهر سنتی همسو است، اما در معنا و کارکرد فرم شهر مدرن این مقوله‌ها در مقابل هم قرار می‌گیرند و از بین رفتن هم‌آوایی میان این دو، به یکی از مهم‌ترین تقابل‌های فرم شهر مدرن تبدیل می‌شود. همچنین تقابل میان دو لایه دیگر یعنی عوامل طبیعی و مصنوع در قالب تقابل طبیعت و کالبد تأثیر خود را بر فرم شهر مدرن می‌گذارد. لایه متنی عامل انسانی این تقابل را تشدید می‌کند. برای نمونه تحولات اقتصادی، فلسفی، مذهبی و فنی منطق مدرن، تأکید بر رویکردی انسان‌گرا در کنار تحولات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی-فرهنگی سبب شد تا رابطه پیشین میان انسان، خدا و طبیعت دستخوش تغییر شود. بدین ترتیب با تغییر ارزش‌ها، تقابل مشخصی میان انسان و طبیعت به وجود آمد، در نتیجه این تغییرات، رابطه میان انسان و طبیعت دیگر در قالب احترام و حمایت‌گری قرار نگرفت و تخریب طبیعت از نتایج بارز آن بود. در عین حال تغییر در نگرش‌های اقتصادی، سیاسی، فنی، اجتماعی و فرهنگی که پیش از این مفصلاً بیان شد، بر لایه عوامل مصنوع تأثیر به‌سزایی داشت و از این رو که اندیشه جدید نوعی هم‌شکلی و وحدت را مورد تأکید قرار می‌داد، ساخت و سازها و عوامل کالبدی در قالب رویکرد کارکردگرایی و عملکردگرایی تا سر حد پاسخگویی به عملکرد و در متن فرم

شهر تا سر حد تبدیل شدن فرم به ویژگی‌های شکلی پیش رفت و با شعار «تبعیت فرم از عملکرد»^{۳۲} مورد توجه قرار گرفت. بر این اساس مهمترین ویژگی‌های مستتر در وجوه عوامل انسانی، یعنی ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی با شعار انسان بیولوژیک و فرهنگ واحد به فراموشی سپرده شد و فرم فارغ از زمان و مکان به صورت مشابه شکل گرفت.

این دوگانگی‌ها و تقابل‌ها در هر یک از لایه‌های متنی نیز خود را نشان می‌دهند. برای نمونه در اینجا برخی از تقابل‌های موجود در لایه عوامل مصنوع که نشان دهنده ساختار سلسله‌مراتبی درونی این لایه است، مورد توجه قرار می‌گیرد. همانطور که بیان شد، این لایه به صورت ساده خود مشتمل بر ساختمان (توده)، فضا و شبکه ارتباطی است. یکی از تقابل‌های مهم این لایه متنی، تقابل مهم میان توده و فضا است. به عبارتی در فرم شهر مدرن، این دو عنصر محیط مصنوع در تقابل با هم قرار می‌گیرند و توده به عنوان یک عامل مثبت در مقابل فضا به عنوان یک عامل منفی قرار می‌گیرد (Carmona et al., 2003). اگر پیش از این فضا، توده را شکل می‌داده است و هم‌آوایی مناسبی میان آن دو وجود داشت، در فرم شهر مدرن این ساختمان‌ها و بلوک‌ها هستند که فضا را شکل می‌دهند. همچنین برخی از مهمترین تقابل‌ها که تحت تأثیر سایر لایه‌های متنی در نشانه کلان فرم شهر مدرن مشاهده می‌شود عبارتند از: رفت‌وآمد در مقابل خیابان (بزرگراه در مقابل خیابان)، جابه‌جایی در مقابل دسترسی، انبوه‌سازی در مقابل کوچک‌سازی، معماری بزرگ‌مقیاس در مقابل معماری مقیاس خرد، و منطقه‌بندی در مقابل اختلاط عملکردها. بنابراین همانطور که مشاهده می‌شود، شهر مدرن با رویکردی متفاوت از سنت و نه در تداوم آن، بلکه با گسست از گذشته، تأثیرات قابل توجهی بر شهر گذاشت و بدین ترتیب از لایه‌های متنی فرم شهر، بافت‌زدایی شد. بدین ترتیب رابطه میان لایه‌های سازنده متن فرم شهر مدرن به دلیل عدم حمایت‌گری مناسب لایه اصلی از سایر لایه‌ها و همچنین عدم پیوستگی میان لایه‌ها، به بافت‌زدایی منجر شد. بدین ترتیب در متن فرم، این مفاهیم به سه صورت قابل ملاحظه است:

- پیوستگی لایه‌های سازنده متن فرم شهر بر اساس اصل هم‌نشینی^{۳۳}، بافت را به وجود می‌آورد.
- همراه شدن و ملازم شدن تمام لایه‌های متنی سازنده فرم شهر با ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی منجر به فرآیند بافت‌سازی در فرم شهر می‌شود.
- عدم حمایت‌گری لایه‌های متنی سازنده فرم شهر، مانند دگرگونی رابطه میان لایه متنی عوامل انسانی و لایه عوامل طبیعی و همچنین دگرگونی رابطه میان لایه متنی عوامل مصنوع و لایه عوامل طبیعی منجر به بافت‌زدایی می‌شود.

به دلیل ایجاد رابطه بافت‌زدا در فرم شهر مدرن، کارکرد و معنایی که از فرم شهر انتظار می‌رود نیز تغییر می‌کند. عدم پاسخگویی به نیازهای عملکردی و اجتماعی از یکسو و عدم خوانایی و تصویرپذیری از دیگر مواردی است که به دلیل عدم حمایت‌گری لایه‌های متنی از هم به وجود می‌آید.

نتیجه‌گیری

در این مقاله فرم شهر به عنوان یکی از مهم‌ترین وجوه شناخت شهر مورد بررسی قرار گرفت. به این ترتیب در ابتدا تعریف فرم، فرم شهر و وجه افتراق آن از مفهوم شکل مورد توجه قرار گرفت و به دلیل اهمیت موضوع معنا در کیفیت‌های مورد توجه در فرم شهر، کارکرد و معنای این وجه از شهر در مقطع زمانی مدرن و در قالب رویکرد نشانه‌شناسی لایه‌ای بررسی شد.

بررسی متن فرم شهر مدرن در قالب این رویکرد به عنوان روشی تحلیلی در بررسی معنا به استناد مفهوم فرم شهری و مزایای این رویکرد در مقایسه با سایر رویکردهای ساخت‌گرایانه و پس‌ساخت‌گرایانه می‌تواند زمینه تحلیل عوامل مؤثر بر روند گسست معنایی و دوگانگی هویتی در معنای فرم شهر را فراهم آورد. این شیوه تحلیلی چارچوبی مناسب برای تحلیل فرم شهر بر مبنای مفاهیمی مشخص را فراهم می‌آورد که بر مبنای آن تأثیرگذاری و تأثیرپذیری لایه‌های متنی فرم شهر بر یکدیگر تحلیل می‌شوند. تحلیل این ارتباطات بر مبنای مفاهیمی چون نشاننداری، ساختارهای سلسله‌مراتبی، مفهوم بافت و غیره به محقق کمک می‌نماید تا به شناسایی عوامل مؤثر در برهم خوردن رابطه میان لایه‌ها، بررسی تقابل‌های به وجود آمده، کاهش نشاننداری در متن و بافت‌زدایی از آن و در نهایت به شناسایی عوامل مؤثر بر گسست معنا در مقابل پیوست معنا دست یازد. در بررسی متن فرم شهر مدرن مشخص شد که تغییر در رمزگان‌های غیرفضایی در شهر، منجر به دگرگونی ارتباط میان لایه‌های متنی شده است و از این رهگذر ضمن به وجود آمدن تقابل میان لایه‌های متنی مانند تقابل میان فرهنگ و طبیعت و بین محیط انسان ساخت و طبیعت، حمایت‌گری میان لایه‌های متنی از بین رفته و در عین حال فرم شهر مدرن به پایین‌ترین سطح نشاننداری اجتماعی و فرهنگی (تمایز و تفاوت اجتماعی و فرهنگی) که خود زمینه‌ساز هویت فرهنگی و اجتماعی است، رسیده است. ماحصل این دگرگونی‌ها در فرم شهر، عدم خوانایی، دوگانگی هویتی، گسست معنایی، خوانش نامناسب و عدم رمزگشایی از محیط و در نهایت کاهش حس تعلق و هویت است.

پی‌نوشت‌ها

۸. شهر مدرن در ابعاد مختلف دارای ویژگی‌های خاص خود است. این ابعاد شامل ویژگی‌های نمادین، اقتصادی، ابعاد حکومتی و نقش دولت، دین و فرهنگ می‌شود. هرچند باید اذعان داشت این تغییرات در جزئیات آن در اروپا و ایران دارای تفاوت‌هایی نیز هست. مهمترین ویژگی‌هایی شهرهای مدرن اروپایی ناشی از این روند شامل گسترش ابعاد و وسعت شهر، افزایش و گسترش ساخت و ساز وسیع به سبک مدرن، سیطره ماشین و تأثیر آن بر کالبد شهر و همچنین گسترش حومه‌نشینی است. در زمینه نقش دولت در شهر تأکید بر فردیت در شهر و سیطره دولت‌های رفاه در شهر از مهمترین نمودهای مدرنیسم در شهر است. تکیه بر اصول سکولار در شهر و گسترش نگرش‌های ضددینی رایج در شهر مدرن را می‌توان در بعد مذهب و دین بیان نمود. اقتصاد آزاد، توجه به تعادل‌بخشی بین تولید خدمات و کمرنگ شدن نقش دولت و تصدی‌گری آن‌ها از نمونه‌های تغییر در ابعاد اقتصادی شهر مدرن است. و در نهایت گسست تاریخی و رد فرهنگ تاریخی را می‌توان در ابعاد فرهنگی شهر مدرن جستجو نمود (بنه ولو، ۱۳۵۴؛ بنه ولو، ۱۳۸۰؛ مامفورد، ۱۳۸۱؛ جابری‌مقدم، ۱۳۸۶).

2. Linguistic
3. Semiotics
4. Symbolism
5. Discourse
6. Sense
7. City form

۸. در اینجا لازم است در خصوص مفاهیم مدرنیته، مدرنیسم و مدرنیزاسیون و تفاوت آن‌ها مطلبی آورده شود. لفظ مشترک میان واژه‌های مورد بحث، لغت «مدرن» است، در زبان انگلیسی کلمه مدرن در دو معنا به‌کار رفته است: معاصر و جدید؛ و دوره‌ای معین از تاریخ. این لغت همچون یک صفت ارزشی در کنار سایر کلمات به‌کار می‌رود. اما مدرنیته یعنی مدرن بودن. مدرنیته یعنی منش و شیوه زندگی امروزی و جدید که به‌جای شیوه کهن نشسته و آن را نفی کرده باشد. مدرنیسم با مدرنیته تفاوت دارد. واژه مدرنیسم (Modernism) مفهومی است که در اصل از هنر و تحولی بر آمده که در مکاتب هنری به‌مثابه طیف وسیعی از انقطاع‌ها و گسست‌ها از سنت هنری معمول در اروپا رخ داده است؛ ولی امروزه در معنای کلی‌تری به‌کار می‌رود و منظور از آن، نوسازی، پیشرفت و توسعه است. در نهایت، مدرنیزاسیون، اجرایی‌ترین لایه را به خود اختصاص می‌دهد. هنگامی که تفکر مدرن و مدرنیته در قالب مدرنیسم‌های گوناگون لباس حضور در عرصه‌های ملموس زندگی بشری را بر تن می‌کند، مدرنیزاسیون در حال شکل‌گیری است. به عبارتی مدرنیزاسیون، عملی است که منتج از مدرنیسم بوده و بر مدرنیته و افکار مدرن مبتنی است (جابری مقدم، ۱۳۸۶).

9. Forma
10. Form
11. Shape, figure
12. Figure

۱۳. سه دیدگاه فلسفی در خصوص مقوله فضا وجود دارد: دیدگاه فضایی به فضا، دیدگاه نافضایی و دیدگاه غیرفضایی. در دیدگاه فضایی، فضا فی‌نفسه متغیر مستقلی است که می‌تواند نقش و تأثیر عمده‌ای در نگرش‌ها، رفتارها و فرآیندهای اجتماعی داشته باشد. در مقابل دیدگاه اول، دیدگاه نافضایی به رویکردی اشاره می‌کند که تأثیر فضا را نفی کرده و بر عوامل ذهنی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تأکید دارد. در کنار دو دیدگاه فوق، دیدگاه سوم وجود دارد که دیدگاه غیرفضایی نامیده می‌شود. این دیدگاه رویکردی است که به‌رغم انکار فضای جوهری و مطلق، با آن سر طیف نیز که هیچ نقشی برای فضا قایل نبوده و عوامل نافضایی را عمده می‌کند، مخالف است. کسانی که به تعامل عوامل فضایی و اجتماعی اشاره می‌کنند و نظریه‌پردازانی که به فضا به‌مثابه زمینه‌ای برای تعاملات اجتماعی می‌نگرند، در این مقوله جای می‌گیرند. در این دیدگاه آرای رئالیست‌ها، دیالکتسین‌ها و... مورد توجه قرار می‌گیرد (افروغ، ۱۳۷۷).

۱۴. منظر شهر به‌مثابه یک ساختار و به‌عنوان یکی از نظام‌های پنج‌گانه (منظر شهر، حرکت و دسترسی، کاربری و فعالیت، استخوان‌بندی فضاهای همگانی و فرم کالبدی) تشکیل دهنده نظام کلی فرم شهر است (گلکار، ۱۳۸۶).

15. Structuralism
16. Post structuralism
17. Sign
18. Codes
19. Anchorage

۲۰. مفهوم نشاننداری توسط یاکوبسن ابداع شد و در مورد قطب‌های یک تقابل جانشینی (مانند مذکر-مونث) به‌کار می‌رود (چندلر، ۱۳۸۶). دال‌های زوج در اینجا (داشتن ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی و نداشتن این ویژگی‌ها)

شامل یک صورت نشاندار (داشتن ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی) و یک صورت بی‌نشان (نداشتن ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی) است.

۲۱. مفهومی از بافت که در رویکرد نشانه‌شناسی لایه‌ای مورد توجه است، مفهوم ذهنی است که میان لایه‌های متنی وجود دارد. هرچند این مفهوم در رویکرد نشانه‌شناسی لایه‌ای با سایر رویکردهای مورد استفاده در نشانه‌شناسی متفاوت است. در بررسی مقوله بافت در طراحی شهری و معماری می‌توان از ابعاد ذهنی و عینی آن نام برد. منظور از بافت، زمینه‌ای است که یک متن یا یک نشانه در آن قرار دارد که می‌تواند مشتمل بر ابعاد کالبدی (عینی) و یا ابعاد اجتماعی، فرهنگی، تاریخی، سیاسی و از این دست باشد.

22. Form follows function

23. Syntagmatic

منابع

- افروغ، عماد (۱۳۷۷) *فضا و نابرابری اجتماعی: ارائه الگویی برای جدایی‌گزینی فضایی و پیامدهای آن*، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- اکو، امبرتو (۱۳۸۷) *نشانه‌شناسی*، ترجمه: پیروز ایزدی، نشر ثالث، چاپ اول، تهران.
- الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۴) *یادداشت‌هایی بر ترکیب فرم*، ترجمه: سعید زرین‌مهر، نشر روزنه، تهران.
- الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۶) *زبان الگو، شهرها*، ترجمه: رضا کربلایی نوری، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، تهران.
- بحرینی، سیدحسین (۱۳۸۷) *تجدد، فراتجد و پس از آن در شهرسازی*، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران.
- بحرینی، سیدحسین، بلوکی، بهناز و تقابن، سوده (۱۳۸۸) *تحلیل مبانی نظری طراحی شهری معاصر، جلد اول: اواخر قرن نوزدهم تا دهه هفتم قرن بیستم میلادی*، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران.
- بنه ولو، لئوناردو (۱۳۵۵) *سرچشمه‌های نوین شهرسازی*، ترجمه: محمدتقی کاتبی، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- بنه ولو، لئوناردو (۱۳۸۰) *آشنایی با تاریخ معماری*، جلد سوم: نهضت مدرن، ترجمه: علی محمد سادات‌افسری، نشر دانشگاهی، تهران.
- پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۸) *سیر اندیشه‌های شهرسازی (۳)*، از فضا تا مکان، انتشارات شهیدی، تهران.
- جابری مقدم، مرتضی هادی (۱۳۸۶) *شهر و مدرنیته*، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران.
- چندلر، دانیل (۱۳۸۶) *مبانی نشانه‌شناسی*، ترجمه: مهدی پارسا، شرکت انتشارات سوره مهر، تهران.
- حبیب، فرح (۱۳۸۵) «کندوکاوی در معنای شکل شهر»، مجله هنرهای زیبا، شماره ۲۵، ۱۵-۵.
- حبیب، فرح (؟) *جزوه درسی شکل‌شناسی شهری*، دانشگاه علوم و تحقیقات، تهران.
- راپاپورت، آموس (۱۳۸۴) *معنی فضای ساخته شده*، ترجمه: فرح حبیب، انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری، چاپ اول، تهران.
- سجودی، فرزانه (۱۳۸۷) *نشانه‌شناسی کاربردی (ویرایش دوم)*، نشر علم، چاپ اول، تهران.
- سجودی، فرزانه (۱۳۸۸الف) «چالش در لایه‌های متن: مسجد امام اصفهان»، در نشانه‌شناسی: نظریه و عمل، نشر علم، چاپ اول، تهران.
- سجودی، فرزانه (۱۳۸۸ب) «کدام نشانه؟ کدام نشانه‌شناسی؟»، در نشانه‌شناسی: نظریه و عمل، نشر علم، چاپ اول، تهران.
- سجودی، فرزانه (۱۳۸۸ج) «مسئله روش در نشانه‌شناسی: از روش‌شناسی اثبات‌گرا (پوزیتیویستی) تا روش‌شناسی پدیدایشی»، در نشانه‌شناسی: نظریه و عمل، نشر علم، چاپ اول، تهران.
- صلیبیا، جمیل (۱۳۶۶) *فرهنگ لغت فلسفی*، ترجمه: صانعی بیدهندی، انتشارات حکمت، تهران.
- کالر، جانانان (۱۳۷۹) *فرزینان دو سوسور*، ترجمه: کوروش صفوی، انتشارات هرمس، چاپ دوم، تهران.
- گروتز، یورگ (۱۳۷۵) *زیباشناختی در معماری*، ترجمه: جهانشاه پاکزاد و عبدالرضا همایون، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- گلکار، کورش (۱۳۸۶) «طراحی شهری در عمل: الگویی برای هدایت و کنترل چندسطحی در طراحی شهری»،

- فصلنامه آبادی، سال هفدهم، شماره ۵۶، ۳۰-۳۷.
- مامفورد، لوئیس (۱۳۸۱) *فرهنگ شهرها*، ترجمه: عارف اقوامی‌مقدم، وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی معماری و شهرسازی، تهران.
 - مانیگاو لامیونیاپی، ویتوریو (۱۳۸۸) *معماری و شهرسازی در قرن بیستم*، ترجمه: لادن اعتضادی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ سوم، تهران.
 - مدنی‌پور، علی (۱۳۷۹) *طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرآیندهای اجتماعی و مکانی*، ترجمه: فرهاد مرتضایی، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
 - موریس، جیمز (۱۳۷۴) *تاریخ شکل شهر*، ترجمه: راضیه رضازاده، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، چاپ دوم، تهران.
 - نجومیان، امیرعلی (۱۳۸۷) «نشانه‌شناسی خانه‌های کاشان»، فصلنامه هنرنامه، شماره ۲، ۱۱۱-۱۲۷.
 - نقی‌زاده، محمد (۱۳۷۹) «رابطه هویت، سنت معماری ایران با مدرنیسم و نوگرایی»، مجله هنرهای زیبا، شماره ۷، ۷۹-۹۱.

- Carmona, Matthew; Heath, Tim; Oc, Taner and Tiesdell, Steve (2003) *Public places, Urban Spaces, The dimension of urban design*, Architectural Press, UK.
- Cowan, Robert (2005) *Dictionary of Urbanism*, Streetwise Press.
- Crook, Kenneth F. (2007) *Britannica Concise Encyclopaedia*, Encyclopaedia Britannica Corp (Available at: www.britannica.com)
- Cuthbert, Alexander (2005) *Urban Design and Spatial Political Economy: Review of Critique of the 50 Years*.
- Cuthbert, Alexander (2006) *The Form of City, Political Economy and Urban Design*, Blackwell, USA.
- Eco, Umberto (1979) *A Theory of Semiotics*, Bloomington, IN: India University Press/London: Macmillan.
- Kropf, Karl (1996) «Urban tissue and the character of towns», *Urban Design International journal*, 1 (3), 247-263.
- Lee, Chanam & Moudon, Anne Vernez, (2006) «The 3Ds R Quantifying land use and urban form correlates of walking», *Transportation Research journal, Part D Transport and Environment*, 11 (3), 204-215.
- Lynch, Kevin (1981) *Theory of Good City Form*, MIT press.
- *Oxford Dictionary*, Oxford Dictionary Press (Available at: www.oxforddictionaries.com)
- Rappaport, Ames (1994) «Spatial Organization and the Built Environment», *Companion Encyclopaedia of Anthropology, Humanity, cultural and Social Life*. ED: Time in Gold, Rutledge, New York.
- Stiny, G. (2006) *Shape: Talking about seeing and doing*, MIT press.

